

بسم الله الرحمن الرحيم

عقد باطل و فاسد در نکاح



(ترجمه)

پرسش:

السلام علیکم ورحمة الله و برکاته!

امیر ما، الله سبحانه و تعالی شما را در حفظ خود داشته باشد! پرسش من اینست که فرق بین شروط صحت و شروط انعقاد در ازدواج چیست؟ و این که اثر این شروط بر عقد چی بوده، چی وقت باطل و چی وقت فاسدش می کند؟ الله سبحانه و تعالی شما را جزای خیر نصیب فرموده و شما را بر دشمنان تان نصرت نصیب نماید و همیشه در حفظ الله سبحانه و تعالی باشید!

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمة الله و برکاته!

1- این مسئله را ما در نظام اجتماعی بیان و تفصیل نموده، چنین بیان داشتیم:

«...ازدواج با ایجاب و قبول شرعی منعقد می شود. ایجاب؛ سخن یکی از عاقدین می باشد که اول صادر می شود. هم چنان قبول سخن عاقد دیگر می باشد که در مرحله دوم صادر می شود، و برای منعقد شدن ازدواج چهار شرط لازم است:

شرط اول: ایجاب و قبول در یک مجلس صورت گیرد، یعنی مجلسی که در آن ایجاب صورت می‌گیرد، باید در عین مجلس قبول هم صورت گیرد و این در صورتی می‌باشد که هردو طرف حاضر باشند، و اگر یکی از آن‌ها در یک شهر و دیگری آن در شهر دیگر حضور داشت و یکی از آن‌ها به دیگری نامه‌ای در ارتباط ازدواج نوشت و جانب مقابل قبول کرد، ازدواج در این حالت منعقد می‌شود؛ لیکن شرط در این حالت این می‌باشد که پیام را خودش بخواند و یا این که برای شاهدها بخواند که فلان شخص برای من نامه‌خواستگاری فرستاده و هردوی‌شان را در یک مجلس شاهد بگیرد که من با فلان شخص ازدواج می‌کنم.

شرط دوم: باید هر یکی از متعاقبین سخن یک دیگر را بشنوند و این که یکی از آن دو دیگری را بفهماند. به این گونه جانب مقابل درک کند که هدف از آنچه گفته شد، دعوت برای ازدواج است. اگر جانب مقابل مقصود درخواست کننده برای ازدواج را ندانست، بدلیل این که درست نشنید و یا هم فهمانده نشد، چنانچه مردی به زنی جمله "من با تو ازدواج می‌کنم" را به زبان فرانسوی بگوید و زن این را نفهمد و یا هم لفظی را که مرد برایش تلقین نموده است، بازگو کند، بدون این که معنی و مفهومش را درک کرده باشد و مرد هم بدون این که بداند هدف زن از آنچه می‌گوید، عقد ازدواج است، قبول کرده باشد؛ در این صورت ازدواج منعقد نمی‌شود، و اگر زن این را بفهمد که هدف مرد عقد ازدواج با من است، در این صورت عقد ازدواج صورت می‌گیرد.

شرط سوم: این که قبول با ایجاب در تعارض و مخالفت قرار نگیرد، برابر است که مخالفت در تمام ایجاب باشد و یا هم در بعضی ایجاب.

شرط چهارم: این که شریعت عقد یکی از آن دو را به دیگری مباح قرار داده باشد، به این گونه که زن مسلمان و یا از اهل کتاب باشد و مرد مسلمان باشد، نه چیزی دیگر.

پس زمانی که عقد، شروط چهارگانه را تکمیل نمود، عقد ازدواج منعقد می‌گردد و اگر یکی از آن تکمیل نگردد، ازدواج منعقد نشده و از اساس باطل می‌باشد. زمانی که ازدواج منعقد گردید، ضرور است که شروط صحت ازدواج تکمیل شود و آن سه شرط می‌باشد:

اول: باید زن برای عقد ازدواج حلال باشد؛ مثلاً: جمع میان دوخواهر نباشد.

دوم: نکاح درست نمی‌شود؛ مگر به اجازه ولی. زن به تنهایی خود مالک نیست که نفس خود را به ازدواج دهد و یا کسی دیگری را به ازدواج دهد، چنانچه نمی‌تواند در ازدواج خود غیر از ولی‌اش را به وکالت برگزیند و اگر این کار را انجام داد، نکاحش درست نمی‌باشد.

سوم: حضور دو شاهد مسلمان، بالغ، عاقل و شونده سخنان عاقدین، و این که هدف سخنی را که به ایجاب و قبول حاصل می‌شود، بدانند که عقد ازدواج می‌باشد.

اگر عقد این شروط را تکمیل نمود، صحیح بوده و اگر یکی از آن‌ها ناقص باشد، نکاح فاسد می‌باشد.

بعد از بیان این شروط، ادله این شروط را در کتاب نظام اجتماعی توضیح نمودیم و از آن واضح می‌گردد که اگر شروط انعقاد تکمیل نگردید، عقد باطل می‌گردد و اگر شروط صحت تکمیل نگردید، عقد ازدواج فاسد می‌شود.

2- برای وضاحت بیشتر لازم است که اختلاف بین فساد و بطلان را بیان کنیم. بطلان عدم موافقت امر شارع از حیث اصل می‌باشد، یعنی این که در اصل ممنوع می‌باشد یا این که عدم تکمیل شرط باعث اخلال در اصل فعل می‌شود. بر خلاف فساد که در اصل موافق شریعت بوده؛ مگر وصف‌اش، به غیر فاسد کننده به اصل، مخالفت امر شارع می‌باشد.

وجود فساد در عبادات متصور نمی‌باشد، بلکه بطلان متصور می‌شود؛ چون کسی که از شرایط و ارکان آن پیروی می‌کند، این را در می‌یابد که همه‌اش متعلق به اصل می‌باشد. مگر فساد در معاملات و عقود تصور می‌شود؛ مثلاً: خرید و فروش جنین در بطن حیوانات از اساس باطل بوده، چرا که در اصل نهی شده است و بر خلاف بیع شهری به بادیه نشین بیع فاسد می‌باشد؛ چون از خاطر نفهمیدن قیمت‌ها، در این صورت بعد از بررسی بازار و نرخ اسعار اختیار دارد که بیع را نافذ می‌کند و یا فسخ.

هم‌چنان شرکت سهامی از اساسش باطل می‌باشد؛ زیرا که یک شرکت کامل نبوده و خالی از شروط است که به اصل تعلق می‌گیرد؛ اما اگر شرکاء بر حسب شروط شرعی اشتراک نمودند، غیر از این که یکی از شریک‌ها شرط بگذارد که برای او مبلغ معین باشد، این گونه شراکت فاسد بوده، زیرا کمی و کاستی در وصف می‌باشد، نه در اصل؛ چون برای هر سهام‌دار و شریک، نسبت از فایده می‌باشد و برایش پول و مبلغ معینی نمی‌باشد؛ پس در این صورت شرکت نقصان می‌بیند؛ اما اگر شرکاء به نسبت فایده اتفاق نمودند، در این صورت فساد از بین رفته و عقد صورت صحیح را به خود می‌گیرد.

هم‌چنان فرق بین باطل و فساد در عبادات وجود ندارد، یا بصورت عموم صحیح بوده که از ذمه ساقط می‌شود و یا هم غیرصحیح بوده که واجب به انجامش ساقط نمی‌شود. پس نماز یا صحیح است و یا این که باطل؛ نه چیزی دیگر. اما بطلان در عقود مالی از فساد متفاوت است؛ مثل عقود بیع، اجاره، حواله، شرکت و امثال این‌ها.

اما در نکاح باطل و فساد هر دو پیش مخالف شریعت بوده و عقد باطل از اساسش ملغی است و مرتب بر آثارش نمی‌باشد؛ مثلاً: بر اساس این گونه عقد وقتی که جماع و همبستری صورت گیرد، آن در حکم زنا می‌باشد و طفلی که در نتیجه این عقد به دنیا می‌آید، به "وطی (دخول)" کننده تعلق نمی‌گیرد و عدت، استحقاق مهر و محرمات به خویشاوندی هم در نتیجه این گونه عقد وجود ندارد؛ پس این گونه عقد از اساس و بنیاد باطل می‌باشد. اما عقد فاسد مخالفت شریعت در شروط صحت آن بوده؛ نه در شروط انعقاد. با وجود گناهی که بر عاقدین است، اگر وطی (دخول) صورت گرفته باشد، آثارش مرتب می‌شود؛ اما اگر در عقد فاسد دخول صورت نگرفته باشد، آثارش مرتب نمی‌شود. از جمله آثاری که در حالت دخول زوج بر زوجه در عقد فاسد مرتب می‌شوند:

مهر: مهر در نکاح فاسد با انجام دخول واجب می‌شود. از رسول الله صلی الله علیه وسلم در زمینه روایت است که فرمودند:

«أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَكَحَتْ بِغَيْرِ إِذْنٍ وَلِيِّهَا فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ فَنِكَاحُهَا بَاطِلٌ فَإِنْ دَخَلَ بِهَا فَلَهَا الْمَهْرُ بِمَا اسْتَحَلَّ مِنْ فَرْجِهَا...»

(أخرجه الترمذی و قال حدیث حسن)

ترجمه: هر آن زنی که بدون اجازه ولی‌اش خود را در عقد نکاح در می‌آورد، نکاحش باطل است، باطل است، باطل است؛ اگر بر آن دخول صورت گیرد، برایش در مقابل آنچه از فرج‌اش حلال شماریده شده، مهر واجب می‌باشد. ...

در این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم مهر را در نکاح فاسد بر زنانی که بدون اجازه ولی نکاح می‌کنند، واجب شمرده است، به شرط این که دخول صورت گرفته باشد.

هم‌چنان رسول الله صلی الله علیه وسلم مهر را در حدیث متعلق بر دخول نمودن واجب گردانیده:

«فَإِنْ دَخَلَ بِهَا فَلَهَا الْمَهْرُ بِمَا اسْتَحَلَّ مِنْ فَرْجِهَا»

ترجمه: اگر بر آن دخول صورت گیرد، برایش در مقابل آنچه از فرج‌اش حلال شماریده شده، مهر واجب می‌باشد.

هم‌چنان در نکاح فاسد آثارهای دیگری مرتب می‌شود که دخول صورت گرفته باشد، لیکن در این مورد تفاسیل و اختلافات فقهی؛ مثل: عدت، نسب، ارث حرمت مصاهره و غیره جود دارد، پس اگر کسی را نیاز باشد، می‌تواند به مکان خودش رجوع کند. الله سبحانه و تعالی داناتر و حکیم‌تر است.

برادرتان عطاء ابن خلیل ابورشته

۲۹ جمادی الأول ۱۴۳۹ هـ.ق

۱۵ فبروی ۲۰۱۸ م